



۲۰۱۸/۰۴/۲۶



میر عبدالرحیم عزیز

## فیونکس ۲:

سی آی ای عملیات ترور عصر ویتنام را در افغانستان به مرحله اجرا می گذارد



نویسنده: لیزا فیلیپس (۲۶/۱۰/۲۰۱۷) - مترجم: میر عبدالرحیم عزیز (۲۰۱۸/۲/۱۳)

هفته گذشته، رئیس جدید سی آی ای، مایک پامپی علنی تهدید نمود که سی آی ای را به یک اداره شریر مبدل خواهد ساخت. قدم اول به سوی این هدف، به کار برد و استخدام گروه های انسانکش و تحمیل آنها بر مردم افغانستان است.

سی آی ای عملیات مخفی خود را در افغانستان توسعه داده و گروه های کوچک ماموران با تجربه و قرار دادی ها را همراه با قوای افغانی می فرستد تا طالبان را در سرتاسر کشور شکار نموده و به هلاکت برسانند. نقش توسعه یافته سی آی ای، ماموریت گروه های نظامی را طوری تقویت می نماید که نقش جنگی امریکا در افغانستان در انظار پنهان باقی ماند.

این یک عملیات کشتار دسته جمعی خواهد بود. مردم از خانه های شان از طرف شب بیرون کشانیده شده و ناپدید و محو خواهند شد. این سال هاست که در افغانستان، اما به پیمانۀ نسبتاً کوچکی اتفاق افتاده است. تا اکنون هدف القاعده یعنی یک گروه کوچک تروریستی بود، نه قیام محلی. عملیات جدید، طالبان را که شورش وسیعی را علیه اشغالگران امریکا به راه انداخته اند، هدف قرار خواهد داد. بنابراین، این یک عملیات جمعی خواهد بود که باعث تلفات عظیمی خواهد شد.

این یک عملیات ضد شورشگری نخواهد بود، حتی اگر چه که بعضی ها ادعا دارند. عملیات ضد شورشگری، مرکبات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اطلاعاتی را در خود دارد. این زمانی می تواند موفق شود که در حمایت یک نظام مشروع صورت بگیرد.

حکومت فعلی افغانستان مشروعیت کمی دارد. بعد از اینکه تهدیدات ناشی از انتخابات تقلبی وضع را به سوی بی نظمی سوق میداد، این حکومت توسط سفارت امریکا تطمیع گردیده و به دشواری پیوند داده شد. در ماه آگست، پامپی با اشرف غنی رئیس جمهور دیدار نموده تا طرح جدید را مورد بحث قرار دهند. لکن این عملیات جدید، نه مرکبات اقتصادی و نه سیاسی دارد. صرفاً بر موضوع امنیتی متمرکز شده که در نهایت به شکنجه بی هدف و کشتار سریع و بدون نتیجه مثبت برای اشغال منتهی خواهد شد.

این عملیات برای طالبان یک تحفه خواهد بود. در آوانیکه این عملیات احتمالاً طالبان و متحدان آنها را اینجا و آنجا خواهد کشت، بیشتر مردم افغانستان را همچنان دور و متنفر خواهد ساخت. ۷۵ فیصد جنگجویان طالب مردم محلی اند که در نزدیکی های خانه های شان می جنگند. کشتن آنها باعث خواهد شد که شورشیان، مردم محلی را در خدمت خود گیرند. همچنان، مردم دلسوزی بیشتری به طالبان نشان داده و عملیات آینده شان را پوشش خواهند داد.

امریکا در جریان جنگ ویتنام عملیاتی به نام فیونکس (Phoenix) به راه انداخت. به تعداد ۵۰ تا ۱۰۰ هزار مردم ویتنام جنوبی منحصیث کمونیست های مشکوک توسط گروه های ولگرد مربوط سی آی ای نابود شدند.

طرح فیونکس در قالب طرح وسیعتر انکشاف مدنی سیاسی و اقتصادی که به نام "عملیات مدنی و حمایت توسعه انقلابی" یاد میشود، جا داده شد. قسمت مدنی این عملیات نسبت فساد و بی کفایتی ناکام گردید که همچنان بی اندازه گران و غیر قابل تحمل بود. قضاوت تاریخی قابل قبول این است که قسمت امنیتی طرح فیونکس با وجود برداشت عمومی از آن، در رسیدن به هدف ناکام گردید و حمایت انفعالی از ویت کونگ نسبت این طرح افزایش یافت.

در سالیان اخیر، راند کورپوریشن یکی از موسسات تحقیقاتی مربوط به وزرات دفاع امریکا، سعی نموده است که این نظر را تغییر دهد. آنها ادعا می نمایند که عملیات فیونکس خوب پیش رفت و موفق بود. اما کسانی که در عملیات فیونکس شامل بودند، تصویر دیگری را ترسیم می نمایند. بیرحمی عملیات فیونکس که باعث غضب مردم گردید، یکی از دلایلی بود که دولت امریکا جنگ را پایان داد.

اعلام عملیات کنونی شبیه به فیونکس، فاقد مرکبات سیاسی است. به منظور فروکش و آرام ساختن شورشیان طرح نشده بلکه هدف آن از بین بردن آنهاست:

تلاش نو توسط واحد های کوچک به اسم "گروه های تعقیب ضد تروریستی" رهبری خواهد شد. آنها بوسیله ماموران شبه نظامی سی آی ای از بخش فعالیت های اختصاصی این اداره و عاملان ریاست امنیت ملی استخبارات افغانستان اداره میشوند. نیرو های نخبه امریکائی از فرماندهی مشترک عملیات اختصاصی نیز شامل خواهند بود. هر چند که اکثریت این قواء را، اعضای میلیشائی افغان تشکیل میدهند.

صرف یک تعداد معدودی از ماموران سی آی ای از بخش فعالیت های اختصاصی از چنین عملیات حمایت می نمایند. قراردادی ها نقش برجسته دارند. در ماه آگست، رئیس سابق اجیران بلک واتر (Black Water) به اسم ارک پرنس اداره ترمپ را تشویق نمود که یک قرارداد برای جنگ در افغانستان در اختیار وی بگذارد. ما بدون اشکال تصور کرده می توانیم که پرنس و بعضی فرزندان بلک واتر در عملیات جدید سی آی ای دخیل خواهند بود. کار های اصلی استخباراتی توسط ریاست امنیت ملی افغانستان انجام خواهد شد.

ریاست امنیت ملی افغانستان توسط سی آی ای از عناصر سابق ائتلاف شمال ساخته شد که رقیب طالبان بوده اند. در سالیان اخیر دهه ۱۹۹۰، ائتلاف شمال تحت رهبری احمد شاه مسعود توسط سی آی ای تمویل گردید. امرالله صالح آمر استخبارات احمد شاه مسعود، دارای تابعیت دوگانه، تعلیمات و آموزش سی آی ای را بدست آورد. بعد از تجاوز امریکا به افغانستان، صالح رهبری دستگاه استخباراتی "ریاست امنیت ملی" را در دست گرفت. حامد کرزی رئیس جمهور وقت صالح را در سال ۲۰۱۰ از وظیفه برکنار ساخت، زیرا او مخالف راه آشتی کرزی با طالبان بود. در ماه مارچ ۲۰۱۷، رئیس جمهور اشرف غنی صالح را به حیث وزیر دولت در امور اصلاحات امنیتی مقرر نمود. بعد از اینکه غنی با جنگ سالار گلبدین حکمتیار به توافق صلح رسید، صالح در ماه جون مستعفی شد (؟).

صالح از نگاه قومی تاجک و بسیار تندرو است. او از پشتون ها هراس دارد که با نفوس ترین قوم را در افغانستان تشکیل میدهند که پایگاه نفوسی طالبان هم هستند. صالح درین اواخر حزب سیاسی خود را تهداب گذاری نموده است. او همیشه بهترین روابط را با سی آی ای، بالاخص شاخه سختگیر ضد تروریسم این سازمان داشته است. من به این عقیده هستم که به احتمال زیاد، او در طرح این عملیات سهیم شده است.

در شمال افغانستان که مخلوطی از اقوام مختلف است، میلیشیا های مربوط به سازمان امنیت ملی باعث سازی قومی به پیمانۀ وسیعی خواهند شد. در قسمت پشتون نشین جنوب و شرق که فاقد حمایت مردم محلی اند، میلیشیا های ریاست امنیت ملی این مناطق را برای مدت مدیدی به وحشت انداخته اند:

برای سالها، وظیفه اصلی ماموران شبه نظامی سی آی ای، آموزش میلیشیا های افغان بوده است. سی آی ای همچنان از اعضای میلیشیا های وطنی برای مقاصد جاسوسی و شبکه های استخباراتی استفاده برده است. کماندو های امریکائی که یک قسمت از طرح اومیگا مربوط به وزارت دفاع هستند، قوای عملیاتی اختصاصی در اختیار سی آی ای می گذارند و به میلیشیا های افغان اجازه میدهند که با عساکر عادی همکاری نموده و در صورت ضرورت از قوای هوایی و تخلیه صحی مستفید گردند.

**این واحد ها برای مدت طولانی در میدان جنگ حضور داشته و متهم به کشتار یکسره مردم ملکی در یورش ها و حملات هوایی شده اند.**

این کاملاً قابل پیش بینی است که این عملیات شدید چطور به پایان میرسد. سی آی ای منابع مستقل اندکی، آنهم اگر باشد، در افغانستان در اختیار دارد. سی آی ای به ریاست امنیت ملی که پر از مردم عشیره ئی امرالله صالح است و میلیشیا های قومی و قبایلی اتکاء خواهد کرد. هر یک اینها، طرح خود را خواهند داشت. عملیات امنیتی بایست متکی بر استخبارات موثق باشد. کی در این یا آن قصبه، عضو طالبان است. فقدان منابع قابل اعتماد محلی باعث خواهد شد که میلیشیا ها تحت رهبری سی آی ای یا قراردادی ها به وحشی ترین شکنجه ها متوصل شوند. این شیوه، مخبران و افراد مشکوک را تحت فشار قرار داده و آنها را

و ادار به شکنجه های وحشیانه ساخته تا نام بعضی کسان را منحیث مظنون معرفی بدارند. فقط تکرار کنید. در اخیر همه مظنونین کشته خواهند شد.

طرح جدید عمداً توسط دو مامور عالیرتبه امریکائی در اختیار نیویارک تایمز قرار گرفت. این یک روشنائی مثبت است:

*این ماموریت یک اعتراف خاموشانه از آوردن طالبان سر میز مذاکره است- یک عنصر عمده ستراتیژی ترمپ برای افغانستان. امریکا ضرورت خواهد داشت تا طور تهاجمی با شورشیان بجنگد.*

امریکا برای مدت بیش از ۱۶ سال طور تهاجمی با شورشیان جنگیده است. درین اثناء، شورش رشد کرد و طالبان هم همیشه مایل بودند تا مذاکره نمایند. شرط اصلی آنها این است که قوای امریکا به اشغال خود پایان داده و کشور را ترک بگویند. امریکا واقعاً مایل به صلح نیست. کشتن حامیان مشکوک طالبان، تقاضای طالبان را تغییر نخواهد داد و نه مذاکرات جدی را سبب خواهد شد.

پنج سال از حالا، زمانیکه وحشیگری کامل و بیهودگی این عملیات ظاهر گردد، نیویارک تایمز تکان خواهد خورد که چنین یک عملیات توانست اتفاق بیفتد!

